فصلنامه علمی علوم حدیث
سال بیست و شش شماره ۲ (پیاپی ۱۰۰)
تابستان، ص ۱۴۵ ـ ۱۶۸

Ulumhadith
Twenty- sixth No 2
Summer (Jun - Sep 2021)

واکاوی پیوند مهارت سواد اطلاعاتی با حدیث‌پژوهی؛ ضرورت، چگونگی و پیشنهادها

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۳۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۱۲

عبدالحسین طالعی[۱]

چکیده

نگارنده در این مقاله ابتدا به تعریف سواد اطلاعاتی و ضرورت و فایدهٔ آن در تسریع روند پژوهش و ترویج دانش می‌پردازد، آنگاه اهداف حدیث‌پژوهی را در چهارگروه پی می‌گیرد: تحقیق و تبیین، ترویج و گسترش، دفاع و پاسخ‌گویی، تربیت و عمل. در هریک از این هدف‌ها، کاربرد سواد اطلاعاتی نشان داده شده است. آنگاه بیش از بیست پیشنهاد برای اجرایی کردن این مسیر ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: سواد اطلاعاتی، حدیث‌پژوهی، علم الحدیث، مهارت‌های علمی، پیشنهادها.

مقدمه

حدیث،[۲] گنجینه‌ای گرانبها است که برای تبیین بخش‌های مختلف دین، مانند تفسیر، عقاید، سیره، احکام و اخلاق باید از آن بهره گرفت. حدیث راهی برای دست‌یابی به کلام عترت است که رسول خدا ﷺ، بر اساس حدیث متواتر ثقلین، آن را تالیِ قرآن می‌داند و تمسّک توأمان به این دو یادگار ماندگار را سبب هدایت امّت شناسانده است.[۳]

دربارهٔ اهمیت حدیث سخن فراوان است که در این مختصر نمی‌گنجد. کافی است که توجه کنیم حدیث تنها راه ما برای دست‌یابی به کلام پیامبر و خاندان معصوم علیهم‌السلام اوست.

---

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه قم، دکترای علوم قرآن و حدیث (taleie20@ gmail.com).

۲. در سراسر این نوشتار، برای رعایت اختصار و محدودیت علمی، مراد از حدیث، آموزه‌ها و منابع حدیث شیعهٔ امامیه است. لذا گرچه مذاهب دیگر نیز از میراث حدیثی برخوردارند، ولی در این مقاله مورد نظر نیستند.

۳. ر.ک: خلاصهٔ عبقات الانوار، ترجمه سید حسن افتخار زاده.

طبعاً به دلیل همین اهمیت و جایگاه، هرگونه خطای سهوی یا عمدی در انتقال یا تفسیر این مواریث به نسل‌های بعدی، می‌تواند مشکلاتی پدید آورد؛ چنان‌که تجربه تاریخی نشان می‌دهد که عواملی مانند جعل و دسّ و تصحیف و تحریف در مقام روایت و نیز تفسیر به رأی در مقام تبیین حدیث، گاه به پیدایش فرقه‌های انحرافی انجامیده است.

بدین روی، پژوهش‌های حدیثی ـ که از آن به درایة الحدیث نیز تعبیر می‌شود ـ ضرورتی جدّی دارد که با گذر زمان، پیوسته ضرورت آن بیشتر می‌شود؛ افزون بر ارزش اولیهٔ آن که حتی در زمان حضور امامان معصوم علیهم‌السلام وجود داشت؛ تا آنجا که امام صادق علیه‌السلام «یک حدیث با درایت را از هزار حدیث با روایت محض» بالاتر می‌داند.[1]

گسترش ضرورت حدیث‌پژوهی در فضای اطلاعات و ارتباطات ـ که انفجار اطلاعات و آلودگی اطلاعاتی ویژگیِ اساسیِ این دوره است ـ سبب می‌شود که توجه به ابزارهای مرتبط با این فضا نیز ضرورت یابد و از شاخص‌های این فضا، به ویژه سواد اطلاعاتی، در جهت پیشبرد علم الحدیث کمک بگیریم. در این سخن، ظاهراً نظر مخالفی وجود ندارد، ولی چگونگی استفاده و بایسته‌ها و نابایسته‌های مربوط، مسائلی در پی دارد که باید روشن شود.

در این مقاله در پی آنیم که به این پرسش‌ها پاسخ دهیم:

۱. سواد اطلاعاتی چیست؟

۲. چرا بهره‌گیری از مهارتی مانند سواد اطلاعاتی برای حدیث‌پژوهی لازم است؟

۳. راهکار بهره‌گیری از آن در این مسیر چیست؟

بدین روی، مقاله در سه بخش ارائه می‌شود:

بخش اول: سواد اطلاعاتی چیست؟

در تعریف سواد اطلاعاتی گفته‌اند:

> سواد اطلاعاتی مفهومی است که در نتیجه تحولات و تغییرات سریع در فناوری‌های اطلاعاتی پیدا شده است. به مهارت‌هایی که فرد به منظور ادامه حیات در جامعه اطلاعاتی به آن‌ها نیازمند است، سواد اطلاعاتی گفته می‌شود.[2]

در باب تاریخچهٔ این مفهوم گفته‌اند:

---

۱. معانی الاخبار، ص۲.

۲. مارابیس، ۱۹۹۲، ص۷۵؛ نقل شده در: سواد اطلاعاتی، ص۱۰۸.

محتوای سواد اطلاعاتی سابقه‌ای به درازای تاریخ دانش و کتابخانه‌ها دارد. ولی در پیکر جدید، تاریخ تعبیر سواد اطلاعاتی حدود نیم قرن سابقه دارد. این تعبیر را نخستین بار «پل ژوکروفسکی» در سال ۱۹۷٤م، اعلام کرد. او کسی را دارای سواد اطلاعاتی می‌داند که برای استفاده از منابع اطلاعاتی آموزش دیده باشد و بتواند با استفاده از اطلاعات مسائل خود را حل کند. پس از او، «لی بورچینال» در سال ۱۹۷٦م، «رابرت تیلر» در ۱۹۷۹م، «کارول کولتاو» در سال ۱۹۸۷م، و دیگران، همزمان با گسترش فرهنگ بهره وری از رایانه و فضای مجازی این تعریف را کامل‌تر کردند». خلاصهٔ همه این تعریف‌ها چنین است: به طور خلاصه، «سواد اطلاعاتی گسترش مفهوم سواد سنتی در پاسخ به جامعه‌ای است که ما در آن زندگی می‌کنیم».[۱]

لورتشا و وولز می‌نویسند:

در سال ۱۹۹۸م، سواد اطلاعاتی بیشتر به عنوان سواد دیداری تعریف شد که شامل: تفکر، آموختن و بیان به صورت تصاویر برای خود بود. سواد رسانه‌ای به نحوی تدریس شد که دانشجویان فراتر از دسترسی، توانایی تحلیل و درنهایت تولید اطلاعات برای ارایهٔ نتایج جدید را دارا باشند. در نهایت، سواد رایانه‌ای به صورت توانایی ایجاد و ویرایش اسناد و مدارک و یا هرگونه کار با برنامه‌های واژه‌پرداز، کار با صفحات گسترده، دسترسی به پایگاه‌های داده، و استفاده از طیف گسترده‌ای از دیگر نرم‌افزارهای موجود آغاز شد. در حال حاضر، اصطلاح «فراسوادی»[۲] توسط برخی، برای نشان‌دادن گسترش مهارت‌های مورد نیاز، برای مشارکت در دنیای فناوری امروز به کار رفته است. با ظهور وب جهان‌گستر، توانایی بازیابی، بررسی و مدیریت اطلاعات و استفاده از آن برای بهبود کلی کیفیت زندگی افرادِ باسواد ضرورت یافت.[۳]

نقش و جایگاه روزافزون سواد اطلاعاتی، نه تنها در فرایند پژوهش، بلکه در تمام مقاطع آموزشی و حتی در امور جاری زندگی به گونه‌ای است که گریزی از آن در زندگی نیست؛ به گونه‌ای که تمام آحاد بشر در دورهٔ ویروس کرونا این نقش را تجربه کرده‌اند. لورتشا و وولز در سال ۲۰۱۲ میلادی نوشته بودند:

---

۱. سواد اطلاعاتی، ص۱۰۸.

2. transliteracy

۳. روابط درونی سواد اطلاعاتی با استفاده از محیط‌های آموزش مجازی، ص۲۶۷.

به‌خاطر توسعه سریع اطلاعات و فناوری‌های نوین، محیط‌های سنتی کلاس‌های درس تحت تهاجم و حمله هستند. روش‌های مرسوم آموزش و متون از پیش تعیین‌شده، جای خود را به فناوری‌های نوین، از قبیل کلاس‌های تلنگرزننده[1] می‌دهند. بنابراین لازم است تمام کتابخانه‌ها روش‌های سنتی و از مُدافتاده آموزش مهارت‌های سواد اطلاعاتی خود را ـ که به طور معمول نامرتبط، خسته‌کننده، و دراین محیط‌های نوین آموزش مجازی بی‌فایده هستند ـ کنار گذارند ... کل این حرفه باید به سرعت حرکت کند، و گرنه به سرنوشت کالسکه‌های اسب‌کش ـ که توسط وسائط نقلیهٔ موتوری جایگزین و ناپدید شدند ـ دچار خواهند شد.[2]

برای این‌که سخن گفتن و برنامه‌ریزی در این زمینه از کلّی‌گویی خارج شود، برخی از مراکز علمی شاخص‌هایی روشن و استانداردها و دستورالعمل‌هایی برای آموزش، فراگیری، و سنجش مهارت‌های سواد اطلاعاتی تعریف کرده‌اند که مجموعه‌ای از آن به شرح زیر است: ۱) تشخیص نیاز به اطلاعات، ۲) تشخیص ویژگی و میزان اطلاعات مورد نیاز، ۳) توانایی دست‌یابی به اطلاعات موردنیاز به صورت مفید و مؤثر، ۴) توانایی بهره‌گیری از راهبردهای جست‌وجو، ۵) ارزیابی منتقدانه اطلاعات و منابع اطلاعاتی به دست آمده، ۶) توانایی استفاده از اطلاعات برای رسیدن به هدفی خاص مانند حل مسأله؛ ۷) توانایی مقایسه اطلاعات به دست آمده با دانش موجود و افزودن به دانش؛ ۸) شناخت وظیفه اجتماعی خود در دسترسی به اطلاعات و استفاده از آن؛ ۹) گردآوری، سازماندهی، و دسته‌بندی اطلاعات به دست آمده یا تولید شده؛ و ۱۰) آگاهی از این‌که سواد اطلاعاتی پیش‌نیاز یادگیری مادام‌العمر است.

این توانایی‌ها نشان می‌دهد که سواد اطلاعاتی تنها مهارت نیست، بلکه یک روند فکری است که برای تقویت و شکل‌گیری آن باید به فرد آموزش داد[3]

ارتباط مفهوم سواد اطلاعاتی و آموزش کتابشناختی در متون مختلفی مورد بحث قرارگرفته است و با وجود اختلاف نظر جزئی میان کارشناسان در مورد کمّ و کیف این پیوند، همگان بر اصل آن همداستان اند، بلکه سواد اطلاعاتی را به نوعی در مسیر توسعهٔ آموزش کتابشناختی می‌دانند؛ بدین صورت که تحوّل محور دانش و پژوهش را از «کتاب محوری» به «اطلاعات

1. Flip classroom

۲. روابط درونی سواد اطلاعاتی با استفاده از محیط‌های آموزش مجازی، ص۲۷۷ – ۲۷۸.

۳. آموزش سواد اطلاعاتی؛ روش ها و راهبردها، ص۲۰۷؛ نقل شده در: سواد اطلاعاتی، ص۱۰۸۲.

محوری» می‌پذیرند. به عبارت دیگر، «تنوّع محمل‌های اطلاعاتی» را به رسمیت می‌شناسند و ازکنار واقعیت‌های جهانی به آسانی نمی‌گذرند.

ضرورت روزآمدی ما را برآن می‌دارد که تحول منابع اطلاعاتی، از الواح گِلی تا امواج فضای مجازی، و به تعبیری «از گِل تا گوگل»[1] بپذیریم و به جای طرد این تغییر ـ که نه معقول، نه مقبول و نه مقدور است ـ از این ابزارها بهره وریِ بهینه کنیم؛ یعنی آگاهانه، آزادانه، هوشمندانه و مسئولانه، از این فناوری‌ها در مسیر اهداف انسانی ـ الهی خود کمک بگیریم.

شرایبمن[2] و دیگران در سال ۲۰۰۴ در اثری با نام «سنجش انسانیت‌های رقومی»[3] وضعیت را شرح می‌دهند:

> وب، محرک نسلی از شبه انتشارات[4] است: مدارکی که به طور گسترده و بیش از هر انتشارات چاپی دیگر در تاریخ، در دسترس قرار دارند و در هر زمان، امکان دسترسی به میلیون‌ها نسخه از آن‌ها وجود دارد. به هر حال، اغلب مدارکی واحد به نام فردی خاص منتشر شده‌اند، اما آدرس‌های وبی یا پیوندهای آن‌ها، از زمانی‌که پیوند اصلی آن‌ها ایجاد شده است، تغییر کرده و اکنون دیگر پیوند درون خطی[5] ندارند یا این پیوندها بی‌ارزش‌اند. اکنون انواع مختلفی از مخازن کتابداری ایجاد شده و در حال

---

۱. نگارندهٔ این سطور، در یادداشتی با همین عنوان به تحول ابزارهای دانایی بشر در گذر زمان پرداخته و در بخشی از آن نگاشته است:

«رقم» که هدیهٔ خدا بود به آدمیان، و قرن‌ها در خدمت آدمیان بود، اکنون سودای سلطه بر جان و روان و اندیشهٔ آدمیان را دارد و در این کهنه میدان، ندای «هل من مبارز» سر می‌دهد؛ رقابتی که مانند آن را بشر تا کنون ندیده بود. این مدعی نوظهور، دست شمارنده‌ها را می‌گیرد و پیش می‌برد. نیروی نهفته در عدد را تا کنون کسی این‌گونه باور نکرده بود.

قصهٔ چند نسل شمارنده‌ها را، اگر نخوانده اید، بخوانید تا بدانید که چگونه آن کودک سرکش و چموش به نوجوانی رسید، و از آنجا به جوانی؛ جوانی که در برابر کهنسالان تاریخ قد کشیده، و آمده تا بشر را که روزی به «انس با طبیعت» شادمان بود، وادارد تا به «سلطه بر طبیعت» فخر بفروشد، بی‌واهمهٔ آن‌که در این سلطه، چه دستاوردهای مثبت و منفی تصور می‌رود.

جدال کاغذ با شمارنده، هنوز صحنه‌هایی دیدنی دارد که «موج»ها را به صحنه آورده و «مکان» را از صحنه بیرون رانده و نقش اول را به «زمان» و «شتاب» داده، و دیوارهای «هویت» را فرو ریخته، و دل نگرانی برای اصحاب «اخلاق و فرهنگ و سنت» به ارمغان آورده است، و ای بسا سوداها که هنوز در سر دارد، که باید ماند و دید.» («از گل تا گوگل، سایت لیزنا»، ۹ تیر ۱۳۹۸).

2. Schreibman

3. A companion to digital humanities

4. Pseudo-publication

5. Online

استفاده هستند.[1]

از این تغییرات، گاه با عبارت «مدیریت چالاکی» یاد می‌شود. آندرو وِلز می‌نویسد:

> مدیریت چالاکی عبارتی است که بیشتر در دنیای تجارت به کار می‌رود تا کتابخانه‌ها. این عبارت بیشتر در محیط‌های تجاری و صنعتی، برای تاکید بر نیاز به حرکت سریع و آسان در پاسخ به تغییرات در موارد اقتصادی وعوامل و نیروهای رقابتی به کار می‌رود. دیگر صفات مرتبط با چالاکی، «انطباق‌پذیری»،[2] «انعطاف‌پذیری»[3] و «پاسخ‌دهی»[4] است. اهمیت این موضوع تا آنجا است که موضوع دو کنگره ایفلا ۲۰۱۳ عمدتاً حول محور مفهوم مدیریت چالاکی بوده است.[5]

یکی از نمودهای مدیریت چالاکی در عرصهٔ عمومی سازیِ آموزش، «دوره‌های برخط گسترده آزاد» (موک)[6] است[7] که هم اکنون (سال ۲۰۱۳) ابزاری بسیار مهم درجهت حمایت از آموزش عالی درسطحی بسیار، اجرای آموزش مهارت‌ها، ادامه تحصیل، وآموزش کاربران تلقی می‌گردند».[8]

کاستلز در نظریه جامعه شبکه‌ای ـ که برای تبیین هزارهٔ سوم تاریخ بشر ارائه کرده ـ تأکید می‌کند که دانش:

> اولاً در دانشگاه‌ها و نظام پژوهشی عمومی جای می‌گیرد؛ ثانیاً این نظام، جهانی است؛ ثالثاً به ارتباط مداوم به شکل انتشارات، کنفرانس‌ها، نشریات، سمینارها، انجمن‌های آموزشی و نیز ارتباط اینترنتی بستگی دارد.[9]

از سوی دیگر، گسترش راهکارهایی مانند آموزش‌ها و پژوهش‌های میان رشته‌ای و ورود

---

۱. نقل شده در: «آماده‌سازی کتاب‌شناسی‌ها برای آینده: الگویی پژوهش محور برای کتاب‌شناسی‌ها»، ص ۴۸۴ ـ ۴۸۵.

2. adaptive

3. flexible

4. responsive

۵. «مدیریت چالاکی: راهبردهایی برای موفقیت در مدت زمان تغییرات سریع (مطالعهٔ موردی) یک کتابخانه دانشگاهی استرالیایی»، ص ۲۸۱.

6. Massively Open Online Course, or MOOC.

۷. نسخه‌های ایرانی متعددی از این گونه آموزش مجازی ارائه شده، از جمله سیستم «فرادرس» که اکنون به عنوان رقیب یا مکمّل آموزش‌های رسمی در بیشتر رشته‌ها به میدان آمده است.

۸. «کتابخانه و دوره بر خطر گسترده آزاد موک پرداختن به روند تکامل تعلیم و تربیت»، ص ۲۹۳؛ «کتابخانه‌ها و کتابداران در عصر ارتباطات موک»، ص ۱۱.

۹. «عوامل تغییر: کتابداری بین‌المللی، توسعه، و نظریه جهانی شدن»، ص ۱۵۰؛ نیز ر.ک: جامعه شبکه‌ای.

عنصر آینده نگری در برنامه ریزی و شتاب گرفتن آهنگ تولید و نشر اطلاعات، سبب شده که ضرورت استفاده از این گونه مهارت‌ها جدی‌تر شود.

با این توضیحات ـ که در نهایت ایجاز بیان شد ـ برای بررسی دومین پرسش به دومین بخش مقاله می‌رسیم.

بخش دوم. چرا بهره‌گیری از مهارتی مانند سواد اطلاعاتی برای حدیث‌پژوهی لازم است؟

پاسخ به این پرسش، پس از تقسیم اهداف حدیث‌پژوهی به چهار هدف پیگیری می‌شود. ذیل عنوان هر یک از اهداف ابتدا به توضیح آن هدف و آنگاه به محسنات بهره‌گیری از مهارت‌های سواد اطلاعاتی برای حدیث‌پژوهی در جهت تحقق آن هدف می‌پردازد.

اهداف و فواید حدیث‌پژوهی متعدد و متنوع است. به اقتضای محدودیت مقاله، تنها به چهار مورد، آن هم به اختصار اشاره می‌شود:

چهار هدف از پژوهش‌های علم الحدیث چنین است: تحقیق و تبیین، ترویج و گسترش، دفاع و پاسخ گویی، تربیت و عمل.

برای هر یک از این اهداف، برای رعایت اختصار، فقط یک شاهد حدیثی یا تاریخی با توضیح کوتاه بیان می‌شود.

الف. تحقیق و تبیین

امیرالمؤمنین علیه‌السلام در قرائت حدیث، آن زمان‌که همراه با تدبّر و تفقّه نباشد، خیری نمی‌بیند:

ألا لا خیر فی علم لیس فیه تفهم، ألا لا خیر فی قراءة لیس فیها تدبر، ألا لا خیر فی عبادة لیس فیها تفکر، و فی روایة أخری، ألا لا خیر فی علم لیس فیه تفهم، ألا لا خیر فی قراءة لیس فیها تدبر، ألا لا خیر فی عبادة لا فقه فیها، ألا لا خیر فی نسک لا ورع فیه[1].[2]

لذا امام صادق علیه‌السلام پرسش برای دست‌یابی به چنین تفقه را وظیفهٔ همگان می‌داند:

لا یسع الناس حتی یسألوا و یتفقهوا و یعرفوا إمامهم و یسعهم أن یأخذوا بما یقول، و إن کان تقیة[3].[4]

---

۱. مجلسی اول این حدیث را صحیح می‌داند (روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه (ط - القدیمة)، ج ۱۲، ص ۱۶۲).
۲. الکافی، ج ۱، ص ۸۷، ح ۳.
۳. مجلسی اول این حدیث را صحیح می‌داند (روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه (ط - القدیمة)، ج ۱۲، ص ۱۶۶).
۴. الکافی، ج ۱، ص ۹۷.

این وظیفه دست کم هر هفته یک بار[1] باید انجام شود:

قال رسول الله ﷺ: أف لرجل (أو لكل مسلم) لا يفرغ نفسه في كل جمعة لأمر دينه فيتعاهده و يسأل عن دينه.[2][3]

ازسوی دیگر، تفقه در دین که در روایات مختلف به ما امر شده، گاهی دربارهٔ خاصّ احکام فرعی معنا می‌شود، اما برخی از محدثان آن را به معنای عامّ دین می‌دانند. علامه مجلسی در این شمار است. وی برای جمع میان این بیان با مصداق آیهٔ نفر که تفقه را به عدهٔ خاصی می‌داند، می‌نویسد:

قوله عليه السلام تفقهوا في الدين: حمله الأكثر على تعلم فروع الدين إما بالاجتهاد أو بالتقليد، و يمكن حمله على الأعم من الأصول و الفروع بتحصيل اليقين فيما يمكن تحصيله فيه و بالظن الشرعي في غيره.[4]

ارزش سؤال دربارهٔ دین تا آنجا است که امام صادق علیه السلام در حدیث صحیح[5] خطاب به حمران بن اعین، علت هلاکت گروهی از تباه شدگان را در سؤال نکردن آن‌ها می‌داند.

إنما يهلك الناس لأنهم لا يسألون.[6]

ضرورت این تحقیق تا آنجا اهمیت می‌یابد که در ضمن توصیه‌های شماری از فقیهان می‌خوانیم که شاگردان خود را از «تسرّع در فتوا» نهی کرده و «استقصای تامّ در روایات و ادلّه» را

---

۱. کلمهٔ «جمعه» ـ که در این حدیث آمده ـ اگر به ضمّ جیم باشد به معنای روز جمعه است، ولی اگر به سکون جیم باشد به معنای هفته است. در اینجا صدرالدین شیرازی (شرح اصول الکافی، ج۲، ص۱۷۴) و مازندرانی (شرح الکافی، ج۲، ص۱۲۵) آن را فقط به معنای روز جمعه می‌دانند ... ولی برخی شارحان به احتیاط آن را «روز جمعه یا هر هفته» معنا کرده‌اند. مجلسی (مرآة العقول، ج۱، ص۱۳۱)، فیض (الوافی، ج۱، ص۱۸۱) و قزوینی (اصافی، ج۱، ص۳۲۸) در این شمارند. مجذوب تبریزی آن را «یک روز در هفته» می‌داند. (الهدایا، ج۱، ص۳۸۸). به نظر نگارنده، این تفسیر با جامعیت دین سازگارتر است؛ زیرا هم اکنون بخشی از پیروان اهل بیت در کشورهایی زندگی می‌کنند که روز جمعه در آنها تعطیل نیست و اینان فرصت تعلّم نمی یابند. از سوی دیگر بر اساس آیه ۶ سوره مائده و آیه ۷۸ سوره حج احکام دین برای عسر و حرج آفریدن نیامده است. لذا بهتر است جمعه را به سکون جیم قرائت کنیم.

۲. مجلسی اول این حدیث را صحیح می‌داند. (روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه (ط ـ القدیمة)، ج۱۲، ص۱۶۶).

۳. الکافی، ج۱، ص۹۷.

۴. مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج۱، ص۱۰۰.

۵. روضة المتقین، ج۱۲، ص۱۶۵.

۶. الکافی، ج۱، ص۹۶.

ضروری دانسته‌اند؛[1] به عنوان نمونه، از محمد باقر مجلسی،[2] صاحب جواهر،[3] شیخ جعفر شوشتری،[4] شیخ عبدالله مامقانی،[5] شیخ حسن کاشف الغطاء[6] و شیخ علی کاشف الغطاء[7] یاد می‌شود. شیخ جعفر شوشتری به عنوان مثالی برای این اصل مهم در اجازه روایی خود به میرزا محمد همدانی می‌نویسد:

> استاد بزرگوارم، صاحب جواهر دراین باره به من وصیت کرد: فرزندم! چه بسیار حکمی از احکام طهارت و صلات بود که من از اندیشه در روایات باب حدود و دیات استنباط کردم.[8]

روشن است که چنین تحقیق گسترده‌ای به زمانی فراخ نیاز دارد که بهره‌گیری از امکانات ذخیره و بازیابی منابع حدیثی این راه را بسیار کوتاه می‌کند.

ب. ترویج و گسترش

درس حدیث کافی نیست، بلکه درد حدیث نیز لازم است. باید درد حدیث در کسانی که درس حدیث آموخته‌اند، در هر سطح، تقویت شود.

دربارهٔ اهمیت تعلیم سخنان اهل بیت مطالب شگفت بیان شده است. عظمت این اقدام تا آنجا است که بر اساس کلام امام باقر علیه‌السلام، معلّم این سخنان، در پاداش معنوی عمل دانش آموختگان شریک خواهد بود، بدون این‌که از پاداش خودشان کم شود.[9] امام صادق علیه‌السلام بیان می‌کند که افرادی که برای خدا فراگیرند و برای خدا به دیگران بیاموزند و برای خدا عمل کنند، آن‌ها را در ملکوت آسمان‌ها به صفت «بزرگ» می‌شناسند.[10] رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله ملاقات و مذاکرهٔ حدیث را سبب جلا یافتن دل‌ها می‌داند، همان گونه که شمشیر زنگ زده را

---

۱. این اقوال در باب نهی از تسرّع در فتوا، همه از سایت مکتبهٔ فقاهت نقل شد. مشخصات کتاب‌شناسی منابع مربوط در آن پایگاه اطلاعاتی آمده است.

۲. اجازات العلامة المجلسی، ص۵۳۸.

۳. اختران فقاهت، ج۱، ص۱۳۶

۴. همان.

۵. مرآة الرشاد، ص۲۳۶.

۶. انوار الفقاهة، ج۱، ص۱۳.

۷. النور الساطع فی الفقه النافع، ج۲، ص۵۸۶.

۸. غنیمة السفر، ص۴۶.

۹. الکافی، ج۱، ص۸۵، ح۴.

۱۰. همان ص ۸۶، ح۶

جلا می‌دهند.[1] نیز تعلیم علم را مانند «زکات آن» دانسته‌اند.[2]

کافی است که بدانیم رسول خدا صلی الله علیه و آله برای این‌که فرصت تعلیم را از دست ندهد، منتظر آمدن افراد به نزد حضرتش نمی‌ماند؛ بلکه آنان را مانند بیمار به شمار می‌آورد و خود در نهایت مهرورزی برای مداوایشان این سوی و آن سوی می‌رفت. سیرهٔ نبوی بر این امر گواه است و کلام امیرالمؤمنین مؤیّد این نگرش تاریخی است:

طبیب دوّار بطبّه.[3]

دربارهٔ تعلیم و ارزش آن به همین مقدار بسنده می‌شود.[4] سخن در این است که وقتی بتوان با مهارت‌های سواد اطلاعاتی دامنهٔ این تعلیم را، با صرف کمترین هزینه و کمترین زمان و کمترین سفر، گسترش داد، چرا از این فرصت طلایی برای نشر معارف اهل بیت علیهم السلام استفاده نکنیم؟

ج. دفاع و پاسخ گویی

هر چه گوهری گرانبهاتر باشد، طمع دزدان برای سرقت آن بیشتر می‌شود و لذا مراقبت بیشتر می‌طلبد. بر طبق این قاعدهٔ عقلی بشری، برای حدیث اهل بیت علیهم السلام ـ که گرانبهاترین گوهر معنوی ما پس از قرآن است ـ باید برنامه‌های بسیار زیاد و بسیار جدّی (کمّی و کیفی) داشت.

همچنین از آن روی که دزدان با نیرنگ‌های تازهٔ هزار رنگ پیش می‌آیند، عنصر «روزآمدی» در دفاع از حریم حدیث، جایگاه والای خود را می‌نمایاند. دربارهٔ این عنصر ارزشمند، نصوص و شواهد متعددی وارد شده که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

یکم. مشهورترین شاهد در این زمینه کلام امام صادق علیه السلام است که فرمود:

الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَاتَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَابِس.[5]

«هجوم» را به معنای غافل‌گیری مهاجم دانسته‌اند؛ به گونه‌ای که انسان در برابر مهاجم خود را آماده نکرده باشد.[6] «لوابس» نیز به معنای «شبهات» است؛ از آن روی که شبهه باطلی است که جامهٔ حق پوشیده و با این لباس مبدّل به میدان می‌آید و با تدلیس و تلبیس خود

---

۱. همان، ص۹۹.
۲. همان، ص۱۰۱.
۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۸.
۴. تفصیل را، بنگرید: منیة المرید.
۵. الکافی، ج۱، ص۶۱.
۶. الکشف الوافی، ص۱۰۲.

مردم را می‌فریبد.[1]

ازسوی دیگر، می‌دانیم که امیرالمؤمنین علیه‌السلام شرط دست‌یابی به حق را شناخت دقیق باطل می‌داند؛ چنان‌که می‌فرماید:

وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ لَنْ تَعْرِفُوا الرُّشْدَ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي تَرَكَهُ، وَلَنْ تَأْخُذُوا بِمِيثَاقِ الْكِتَابِ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي نَقَضَهُ، وَلَنْ تَمَسَّكُوا بِهِ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي نَبَذَه.[2]

دراینجا سخن از «معرفت باطل» است، نه فقط خبرداشتن که شوربختانه، جمعی ازاهل نظر، ازهمین گام اولیه نیز خود را محروم داشته‌اند. بدین روی علامه مجلسی می‌نویسد:

والحاصل أن من عرف أهل زمانه ومیزبین حقهم وباطلهم، وعالمهم وجاهلهم، ومن یتبع الحق ومن یتبع الأهواء منهم، لا یشتبه علیه الأمور، ویتبع المحقین ویترک المبطلین، ولا تعرض له شبهة، بکثرة أهل الباطل وقلة أهل الحق وغلبة المبطلین وضعف المحقین.[3]

اینک می‌پرسیم: دردنیایی که رشد شتابان اطلاعات، یکی ازنمادهای اصلی آن است، آیا می‌توان جریان‌های باطل را به خوبی (یعنی با استدلال‌هایشان وپاسخ آن‌ها) شناخت؛ بدون این‌که انسان، ازسواد اطلاعاتی کمک بگیرد وبا پای فناوری به سفرمجازی برود؟

بدیهی است که حضورتقویمی درزمان کافی نیست. این حضورراگذرخورشید وماه به ما تحمیل می‌کند. بلکه حضورفرهنگی درزمان لازم است که این گونه حضوررا هرفرد خودش باید برای خود برگزیند واگرانتخاب نکند، زیان می‌بیند. شناخت زمان، ازروی کتاب‌ها، آن هم کتاب‌های کهن به دست نمی‌آید، بلکه ازحضوردرصحنه‌های متنوع وتعامل با اصناف مختلف مردم دست‌یاب می‌شود. بجا ودرست گفته‌اند:

آشکار است که مقصود از زمان در اینجا مضامین و محتویات و حوادث و فرهنگ‌های زمان است نه تاریخ و ایّام آن.[4]

استاد مطهری درهشداری سنگین وتکان دهنده می‌گوید:

ما نقطه مقابل و مشمول مفهوم مخالف «العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوابس» هستیم. از اول تا به آخر، از صدر تا به ساقه، من الباب الی المحراب، از زمان خود

۱. شرح الکافی مازندرانی، ج۱، ص۴۲۱.
۲. نهج البلاغه، ص۲۰۵، خطبه ۱۴۷.
۳. مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج۱، ص۸۷.
۴. الحیاة، ج۳، ص۱۶۸.

بیخبریم.[1] همین طور نشسته و بی‌خبریم و چرت می‌زنیم، یک مرتبه مواجه می‌شویم مثلاً با این مسأله که زمین‌ها باید تقسیم شود ... چون از زمان خودمان بی‌خبریم، قبلاً پیش‌بینی نکرده بودیم و حساب نکردیم که تکلیف چیست و چه باید کرد. و همچنین بی‌خبر از آنچه در دنیا می‌گذرد و بی‌خبر از آنچه در پشت پرده است. یک مرتبه با مسأله حقوق اجتماعی زن مواجه می‌شویم، فرصت نیست فکر بکنیم ... باز هم پشت سر هم از این امور مشتبه و از این «لوابس» خواهد آمد و ما بی‌خبریم ... چه باید کرد؟[2] مهم‌تر از این‌که طرحی برای رهبری این نسل تهیه کنیم، این است که این فکر در ما قوّت بگیرد که مسألهٔ رهبری و هدایت، از لحاظ تاکتیک و کیفیت عمل در زمان‌های متفاوت و در مورد اشخاص متفاوت، فرق می‌کند و ما باید این خیال را از سر خود بیرون کنیم که نسل جدید را با همان متد قدیم رهبری کنیم ...[3]

دوم. امیرالمؤمنین علیه‌السلام در رهنمودی نظامی به فرزند خود جناب محمد بن حنفیه فرمود:

ارْمِ بِبَصَرِکَ أَقْصَى الْقَوْمِ وَغُضَّ بَصَرَکَ، وَاعْلَمْ أَنَّ النَّصْرَمِنْ عِنْدِ اللهِ سُبْحَانَه.[4]

توضیح میرزا حبیب خویی پرده از نکات این کلام بلند برمی‌دارد. می‌نویسد:

ارم ببصرک، یعنی چشم بگشا و آخرین نقطهٔ دشمن را ببین. غضّ بصرک یعنی چشم خود را از برق شمشیر آن‌ها فروبند تا ترس و وحشت از آن‌ها تو را نگیرد. و اعلم ان النصر... یعنی برای پیروزی به خدای سبحان تکیه کن نه توان خودت.[5]

سوم. در دستورات جنگی حضرتش می‌خوانیم که سپاهیان خود را به بیداری مداوم فرامی‌خواند و یک لحظه غفلت را بر آن‌ها روا نمی‌دارد، بلکه بارها و در مناسبت‌های مختلف ضرورت بیداری همیشگی را یادآور می‌شود. این جملات، که در منابع مختلف آمده، به

۱. در تأیید کلام شهید مطهری به سخن یکی از مشاهیر معاصر اشاره می‌شود که می‌گوید: «راه رشد شما این است که فیلم نبینید. من از ابتدای انقلاب فیلم ندیده‌ام و روزنامه هم نمی‌خوانم. روزنامه باعث به روز شدن علم شما نمی‌شود، بلکه تفسیر بخوانید. من نه فیلم دیده‌ام و نه روزنامه خوانده‌ام، اما چهل کتاب نوشته‌ام» (ر.ک نقد این سخن در مقاله: «روزآمدی از شرایط اولیه مبلغ دینی است»، سید علی رضا واسعی. سایت خبرآنلاین، ۳۰آبان ۱۳۹۱).

۲. دقت شود که این سخن در حدود نیم قرن پیش بوده که مسائل نوپدید محدود بوده است. دریغا امروز نیز که مسائل نوپدید بسیار فراوان شده و آمادگی جدی‌تری می‌طلبد، هنوز متأسفانه این سخن در باره بیشتر صاحب‌نظران و متولیان صادق است.

۳. ده گفتار، ج۱، ص۲۰۷ ـ ۲۰۹.

۴. نهج البلاغه، خطبه ۱۱.

۵. منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة (خوئی)، ج۳، ص۱۶۶.

الفاظ متنوع این حقیقت را بیان می‌دارد:

* فَإِنَّ أَخَا الْحَرْبِ لَيْسَ بِالسَّئُومِ وَلَاالنَّئُومِ وَلَامَنْ إِذَا أَمْكَنَهُ الْفُرَصُ أَجَّلَهَا وَاسْتَشَارَ فِيهَا وَلَامَنْ يُؤَخِّرُالْحَرْبَ فِي الْيَوْمِ إِلَى غَدٍ وَبَعْدَ غَدٍ.[1]

* إِنَّكُمْ تُكَادُونَ وَلَاتَكِيدُونَ تُنْتَقَص أَطْرَافُكُمْ وَلَاتَتَحَاشَوْنَ وَلَا يُنَامُ عَنْكُمْ وَأَنْتُمْ فِي غَفْلَةٍ سَاهُونَ إِنَّ أَخَا الْحَرْبِ الْيَقْظَانَ أَوْدَى مَنْ غَفَلَ وَيَأْتِي الذُّلُّ مَنْ وَادَعَ غُلِبَ الْمُتَخَاذِلُونَ وَالْمَغْلُوبُ مَقْهُورٌ وَمَسْلُوب.[2]

* إِنَّ أَخَا الْحَرْبِ الْيَقْظَانُ الْأَرِقُ وَمَنْ نَامَ لَمْ يُنَمْ عَنْهُ وَمَنْ ضَعُفَ أَوْدَى وَمَنْ تَرَكَ الْجِهَادَ فِي اللهِ كَانَ كَالْمَغْبُونِ الْمَهِين.[3]

* انْفِرُوا رَحِمَكُمُ اللهُ إِلَى قِتَالِ عَدُوِّكُمْ وَلَاتَثَّاقَلُوا إِلَى الْأَرْضِ فَتُقِرُّوا بِالْخَسْفِ وَتَبُوءُوا بِالذُّلِّ وَيَكُونَ نَصِيبُكُمُ الْأَخَسَّ وَإِنَّ أَخَا الْحَرْبِ الْأَرِقُ وَمَنْ نَامَ لَمْ يُنَمْ عَنْه.[4]

اینک می‌گوییم: کیست که امروز سپاه آراستهٔ دشمنان را در حال هجمه به حریم عقاید و آموزه‌ها و منابع شیعی نبیند؟ یا صحنهٔ جنگ گستردهٔ فرهنگی را ببیند و بتواند خود را به خواب غفلت فروبرد؟ بیداریِ مداوم در چنین کشمکشی آیا جز با رصد کردن هر لحظهٔ مهاجمان مقدور است؟ و این رصد کردن آیا با مطالعهٔ کتاب‌ها به شیوهٔ سنتی به نتیجهٔ کافی می‌رسد؟

چهارم. اینک معنای کلام علوی به خوبی نمایان می‌شود که در نخستین خطبهٔ عمومی خود، پس از رحلت رسول خدا ﷺ (خطبة الوسيلة) فرمود:

مَنْ عَرَفَ الْأَيَّامَ لَمْ يَغْفُلْ عَنِ الِاسْتِعْدَاد.[5]

پنجم. احادیث زیر در همین مضمون وارد شده که برای اختصار، به نقل آن‌ها بدون توضیح بسنده می‌شود.

* امیرالمؤمنین علیه‌السلام:

حسب المرء... من عرفانه، علمه بزمانه.[6]

---

۱. وقعة صفین، ص۱۰۱.
۲. الغارات (ط - القديمة)، ج۱، ص۲۳ ـ ۲۴.
۳. همان، ص۲۱۲.
۴. نهج البلاغه، ص۴۵۲، نامه ۶۲.
۵. الکافی، ج۱۵، ص۷۲.
۶. بحار الانوار، ج۷۵، ص۸۰، ح۶۶.

* امیرالمؤمنین علیه‌السلام:

أعرف الناس بالزمان، من لم یتعجب من أحداثه.[1]

* امام صادق علیه‌السلام:

فِی حِکْمَةِ آلِ دَاوُدَ: «عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ یَکُونَ عَارِفاً بِزَمَانِهِ، مُقْبِلًا عَلَى شَأْنِهِ، حَافِظاً لِلِسَانِهِ».[2]

د. تربیت و عمل

هدف نهایی از دعوت به دین، حیات معنوی مردم است. در قرآن می‌فرماید:

یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اسْتَجِیبُوا لِلّهِ وَ لِلرَّسُولِ إِذا دَعاکُمْ لِما یُحْییکُم.[3]

ازسوی دیگر، در قرآن ایمان همواره با عمل صالح یاد می‌شود.[4] بدین روی، در این حیات معنوی عمل جایگاه ویژه دارد، تا آنجا که مرحوم کلینی یک باب را در الکافی به عنوان «بَابٌ فِی أَنَّ الْإِیمَانَ مَبْثُوثٌ لِجَوَارِحِ الْبَدَنِ کُلِّهَا» آورده است.[5] در این عمل نیز خلوص نیت و اخلاص شرط جدّی است. حدیث نبوی «لَا قَوْلَ إِلَّا بِعَمَلٍ وَ لَا قَوْلَ وَ لَا عَمَلَ إِلَّا بِنِیَّةٍ وَ لَا قَوْلَ وَ لَا عَمَلَ وَ لَا نِیَّةَ إِلَّا بِإِصَابَةِ السُّنَّة»،[6] جایگاه سه رکن ایمان را نشان می‌دهد: مطابقت با سنت، خلوص نیت و عمل صحیح. بدین جهت، ما را از عمل بدون پایهٔ صحیح و قول (سخن یا عقیده) بدون مبنای علم صحیح و کامل نهی کرده‌اند.

امام صادق علیه‌السلام فرمود:

إِیَّاکَ وَ خَصْلَتَیْنِ مُهْلِکَتَیْنِ أَنْ تُفْتِیَ النَّاسَ بِرَأْیِکَ وَ أَنْ تَقُولَ مَا لَا تَعْلَم.[7]

در حدیثی دیگر ـ که سند آن حسن کالصحیح است[8] ـ حضرتش مبنای قرآنی این سخن را بیان می‌دارد:

إن الله خص عباده بآیتین من کتابه، أن لا یقولوا حتی یعلموا، و لا یردوا ما لم یعلموا و

---

۱. غرر الحکم، ح ۳۲۵۲.
۲. الکافی، ج ۳، ص ۳۰۲، ح ۲۰.
۳. سوره انفال، آیه ۲۴.
۴. سوره بقره، آیه ۲۵ و ۸۲ و ۲۷۷ و....
۵. الکافی، ج ۳، ص ۹۰.
۶. همان، ج ۱، ص ۱۷۵.
۷. المحاسن، ج ۱، ص ۲۰۵.
۸. روضة المتقین، ج ۱۲، ص ۱۶۸.

قال عزّ و جلّ: ﴿أَ لَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِمْ مِيثاقُ الْكِتابِ أَنْ لا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ﴾[1] و قال: ﴿بَلْ كَذَّبُوا بِما لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَ لَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ﴾[2].[3]

باری، این همه در بستر تربیت صحیح شکل می‌گیرد، به ویژه این‌که خداوند انسان را از کمال اختیار برخوردار کرده و او را در گزینش راه هدایت مجبور نکرده است؛ چنان‌که در قرآن فرمود:

﴿إِنَّا هَدَيْناهُ السَّبِيلَ إِمَّا شاكِراً وَ إِمَّا كَفُوراً﴾.[4]

﴿وَ قُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَ مَنْ شاءَ فَلْيَكْفُرْ﴾.[5]

اینک برای این‌که انسان به اختیار خود راه هدایت برگزیند، تربیت او به راه ایمان ضرورت می‌یابد. بدین روی به این مطلب امر فرموده‌اند. جابر بن عبدالله انصاری به عنوان یکی از تربیت یافتگان نمونهٔ مکتب اهل بیت علیهم‌السلام در کوچه‌های مدینه ندا می‌داد:

أَدِّبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى حُبِّ عَلِيٍّ.[6]

تربیت فرایندی پیچیده و مهارتی عملی است که در بسترهای مخاطب‌شناسی، زمان‌شناسی، اولویت‌شناسی و مانند آن‌ها شکل می‌گیرد.

در زمینهٔ مخاطب‌شناسی این هشدار جدی را به ما داده‌اند که حضرت عیسی علیه‌السلام ضمن اندرزهای خود به بنی اسرائیل می‌فرمود:

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تُحَدِّثُوا الْجُهَّالَ بِالْحِكْمَةِ فَتَظْلِمُوهَا وَ لَا تَمْنَعُوهَا أَهْلَهَا فَتَظْلِمُوهُمْ.[7]

مازندرانی در توضیح این کلام علوی می‌نویسد:

الظلم وضع الشيء في غير موضعه، والحكمة هي العلم بالمعارف والشرائع وتعليقها على أعناق الجهّال وهم الّذين يستنكفون منها أو يفقدون قوّة الاستعداد لإدراكها أو يضيّعونها و يجعلونها وسيلة لنيل الشهوات النفسانية أو يستحقرون معلّمها أو يؤذونه كان كتعليق الجوهر الثمين على أعناق الخنازير بل أقبح منه عند أرباب البصائر الثاقبة، وهو ظلم على الحكمة وعليه يحمل قوله صلّى الله عليه وآله: لا تعلّقوا الجواهر في أعناق الخنازير.

---

۱. سوره اعراف، آیه ۱۶۹.
۲. سوره یونس، آیه ۳۹.
۳. الکافی، ج ۱، ص ۱۰۵.
۴. سوره انسان، آیه ۳.
۵. سوره کهف، آیه ۲۹.
۶. من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۹۳.
۷. الکافی، ج ۱، ص ۱۰۱.

آنگاه می‌افزاید که کتمان برخی مطالب از سوی امامان معصوم علیهم‌السلام، بدان روی بود که مخاطبی دردشناس و اهل معرفت نمی‌یافتند تا حقایق ناب را به آن‌ها بسپارند. آنگاه چند مؤید برمدعای خود، از جمله حدیث نبوی «نحن معاشر الأنبیاء نکلّم الناس علی قدر عقولهم» را بیان می‌دارد.[1]

میرزا ابوالحسن شعرانی ذیل کلام مازندرانی برگزینش کلمات برای بیان با توجه به ظرفیت مخاطب تأکید می‌کند. آنگاه از رفتار برخی افراد کوته نظر که برمبنای درک نارسای خود برخی از حقایق دینی را غلوّ می‌دانند، انتقاد می‌کند:

> فی زماننا بل فی کل زمان اناس ناقصوا الادراک یزعمون أن کل شیء لا یفهمه أمثالهم فهو أباطیل وأوهام ملفقة وخیالات مزخرفة والحقیقة هی ما یفهمه جمیع الناس مما ینحصر فی منال الحواس وان عالم الملکوت وهم وولایة الائمة علیهم السّلام غلو وتهذیب النفس حتی یصل الی مقام القرب مزلة والحدیث صریح فی ردهم وان فی الحقیقة امورا لا یدرکها اکثر الناس ولا یجوز منع الاقل لانکار الاکثر.[2]

ملا صدرا نیز با اشاره به حدیث حضرت عیسی علیه‌السلام می‌نویسد:

> لیس الظلم فی اعطاء غیر المستحق باقل من الظلم فی منع المستحق، بل الظلم فی الثانی اقل منه فی الاول، لانه مما یتدارک دون الاول، وذلک لان الاول تفویت والثانی تأخیر و التأخیر یتدارک دون التفویت.[3]

شهید ثانی در کلام خود در باب مخاطب‌شناسی، علاوه بر جنبهٔ علمی، به جنبهٔ اخلاقی نیز اشاره دارد:

> لکن یجب علی المعلم إذا أشعر من المتعلم فساد النیة أن یستدرجه بالموعظة الحسنة، و ینبهه علی خطر العلم الذی لا یراد به الله، و یتلو علیه من الأخبار الواردة فی ذلک حالا فحالا حتی یقوده إلی القصد الصحیح، فإن لم ینجع ذلک و یئس منه قیل یترکه حینئذ و یمنعه من التعلم، فإن العلم لا یزیده إلا شرا.[4]

این دو حدیث نیز بر ضرورت مخاطب‌شناسی دلالت دارد که به نقل آن‌ها بسنده می‌شود.

---

۱. شرح الکافی، ج۲، ص۱۳۷ ـ ۱۴۰.
۲. همان.
۳. همان، ص۱۸۶.
۴. منیة المرید، ص۱۸۴.

یکم. رسول خدا ﷺ:

لَاتُحَدِّثُوا النَّاسَ بِمَا لَا يَعْرِفُونَ أَ تُحِبُّونَ أَنْ يُكَذَّبَ اللهُ وَ رَسُولُهُ.[1]

دوم. حضرت مسیح علیه‌السلام فرمود:

إِنَّ التَّارِكَ شِفَاءَ الْمَجْرُوحِ مِنْ جُرْحِهِ شَرِيكٌ لِجَارِحِهِ لَامَحَالَةَ، وَذلِكَ أَنَّ الْجَارِحَ أَرَادَ فَسَادَ الْمَجْرُوحِ، وَالتَّارِكَ لِإِشْفَائِهِ لَمْ يَشَأْ صَلَاحَهُ، فَإِذَا لَمْ يَشَأْ صَلَاحَهُ فَقَدْ شَاءَ فَسَادَهُ اضْطِرَاراً، فَكَذلِكَ لَاتُحَدِّثُوا بِالْحِكْمَةِ غَيْرَ أَهْلِهَا فَتَجْهَلُوا، وَلَاتَمْنَعُوهَا أَهْلَهَا فَتَأْثَمُوا، وَ لْيَكُنْ أَحَدُكُمْ بِمَنْزِلَةِ الطَّبِيبِ الْمُدَاوِي: إِنْ رَأَى مَوْضِعاً لِدَوَائِهِ، وَإِلَّا أَمْسَكَ.[2]

به این توضیح مختصر در باب ضرورت مخاطب‌شناسی در تربیت اکتفا می‌شود و تنها به این نکته اشاره می‌شود که در دنیای ناآرام فعلی ـ که آکنده از تحولّات بسیار سریع و تغییرات پرشتاب است ـ راهی برای مخاطب‌شناسی نیست؛ جز این‌که مربّی از طریق فضای مجازی ابتدا آخرین تغییرات جهانی را بشناسد و آنگاه برای یک اقدام تربیتی تصمیم بگیرد.

اینک به سومین پرسش این مقاله می‌رسیم.

بخش سوم. راهکار بهره‌گیری از آن در این مسیر چیست؟

برای پاسخ به این پرسش نگارنده پیشنهادهایی عرضه می‌دارد که برای تحقق یا توسعهٔ چهارهدف یادشده می‌تواند مؤثر باشد.

۱. برگزاری دوره‌های کارگاهی سواد اطلاعاتی با گرایش علوم حدیث.

برای این کار، کتاب آموزش مهارت‌های سواد اطلاعاتی (نوشته نرگس خالقی و مرضیه سیامک) به عنوان منبع درسی پیشنهاد می‌شود. البته این کتاب، برای فضای عمومی این مهارت‌ها مفید است و برای دورهٔ پیشنهادی، باید مثال‌هایی از بانک‌های اطلاعاتی مرتبط با علوم حدیث و نحوهٔ استفاده از آن‌ها اضافه شود.

۲. تدوین درس‌نامه‌های سواد اطلاعاتی با گرایش علوم حدیث.

۳. معرفی کتاب مهم اصطلاح‌نامه علوم حدیث (تألیف زیر نظر محمد هادی یعقوبی نژاد) و کاربردهای گستردهٔ آن برای کوتاه شدن و مفیدتر شدن پژوهش‌های مربوط.

۴. اعتبار قرار دادن برای استناد به سایت‌های علمی در مقالات پژوهشی علوم حدیث.

---

۱. الغیبة، ص۳۴.

۲. الکافی، ج۱۵، ص۷۶۴.

۵. تعامل و همکاری بیشتر بین مراکز پژوهشی حدیثی با پایگاه‌های اطلاعاتی، مانند نورمگز، سید، آی اس سی.[1]

۶. فعال شدن بخش «خدمات مشاوره اطلاعاتی»[2] در مراکز پژوهشی حدیثی.

۷. برپایی جشنواره‌ها، هفته‌ها، و دیگر مراسم در مورد کارهای میان رشته‌ای بین پژوهش‌های حدیثی با کارهای تحقیقی و ترویجی مرتبط با فضای مجازی.

۸. معرفی آخرین یافته‌ها و فعالیت‌های فضای مجازی در رابطه با علوم حدیثی شیعه (له و علیه) به حدیث‌پژوهان، به طور مستمرّ.

۹. بسترسازی برای ایجاد امکانات یا گسترش «دسترسی آزاد»[3] برای فرآورده‌های مراکز حدیثی.[4]

۱۰. تشویق‌های عملی مراکز دیگر که فرآورده‌های پژوهشی و ترویجی در حوزهٔ علوم حدیثی دارند (مانند گروه‌های علوم قرآن و حدیث در دانشگاه‌ها و مراکز حوزوی) به این کار، به ویژه پایان‌نامه‌های مربوط.

تذکر: شناسایی موانع این کار، مسأله مهمی است. پیدا کردن راهکار برای این چالش‌ها مهم است؛ مثلاً سرقت علمی که در پی این دسترسی آزاد پیش می‌آید و....

۱۱. تأسیس شورای هماهنگی (بدون مسئولیت اجرایی یا رسمیت سازمانی) در جهت هم‌افزایی تلاش‌های مراکز مختلف که فرآورده‌های پژوهشی و ترویجی در حوزهٔ علوم حدیثی دارند، برای فعالیت‌های میان رشته‌ای با دانش‌ها و مهارت‌های متنوع، به ویژه بین علوم حدیث و فضای مجازی.

۱۲. جلسات هماهنگی بین نشریات علمی تخصصی علوم حدیث.

۱۳. جلسات (نظری و کارگاهی و اردوهای علمی به شکل حضوری و مجازی) برای آشنایی حدیث‌پژوهان با ابزارهایی مانند کتابخانه دیجیتال، و امکان‌های جدید بالقوه و بالفعل برای استفاده از آن‌ها.

---

1. isc

۲. در مورد مشاوره اطلاعاتی ر.ک: «مشاورهٔ اطلاعاتی، امری فراموش شده در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی»، تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی، ص۳۵۷- ۳۶۱.

3. Open access.

۴. در مورد این برنامه و دستاوردها و چالش‌های آن، ر.ک: «برنامهٔ دسترسی جهانی به انتشارات»، دائرة المعارف کتابداری و اطلاع رسانی، ج ۱، ص ۴۷۱ – ۴۷۵.

۱۴. پژوهش میدانی برای بررسی میزان تأثیرکمّی وکیفی نرم‌افزارها و بانک‌های اطلاعاتی حدیثی بر پژوهش‌های حدیثی، و چالش‌های مربوطه و راهکارها.[۱]

۱۵. پژوهش میدانی برای بررسی میزان تأثیرکمّی وکیفی اصطلاح‌نامه علوم حدیثی بر نمایه‌سازی پژوهش‌های حدیثی، و چالش‌های مربوطه و راهکارها.

۱۶. معرفی محدثان و آثارشان و روش‌شناسی این آثار در سطوح مختلف:

عمومی: مستندهایی تصویری، مانند سلسله ضیافت و حدیث سرو.

کتاب‌های جوانان: مجموعه اندیشه‌مندان ایران و اسلام (نشر همشهری).

کارهای تحقیقی: پایان‌نامه‌ها، کتاب‌ها و مقالات روش‌شناسی محدثان.

جلسات: نشست‌های مختصر و عمومی در فضای مجازی (علاوه بر همایش‌های وسیع و بین المللی، مانند کنگره کلینی).

۱۷. نگاه‌های نو به محدثان؛ به عنوان نمونه: اتان کُلبِرگ در کتاب‌شناسی ابن طاووس چهرهٔ جدیدی از ابن طاووس در زمینهٔ دانش کتاب‌شناسی نشان داده است. در این زمینه موضوع تبیین چهرهٔ ادبی شیخ حر عاملی بر اساس دیوان او ـ که نسخهٔ خطی آن در کتابخانه ملک تهران موجود است ـ پیشنهاد می‌شود.

۱۸. بهره‌گیری از زبان اسپرانتو برای جهانی کردن آموزه‌ها و منابع حدیث شیعی.

۱۹. تبیین عقلانی آموزه‌های دینی و تبیین مبنای عقلانی روح تعبّد.

۲۰. برخورداری از حد نصاب علمیت.

۲۱. نقد معنویت‌های نوظهور.

۲۲. احیای جهانی بودن پیام دین.[۲]

---

۱. به عنوان نمونه ر.ک: «ارزیابی وبلاگ‌های دینی روحانیان در ایران: ارزیابی الگوی مدل هرم سه سطحی»، صالح اصغری، مسعود کوثری، معرفت فرهنگی اجتماعی، شماره ۱۴، بهار ۱۳۹۲، ص۵۵ ـ ۷۲. این پژوهش نشان می‌دهد: در سال های اخیر، روحانیان فرصت را برای حضور فعال و تبلیغ دین در این فضا فراهم دیده‌اند، اما رشد کمی وبلاگ های روحانیان لزوماً به معنای دست‌یابی به اهداف مورد نظر و تبلیغ موثر دین نیست. برای دست‌یابی به معیارهای ارزیابی، به بیست معیار عمومی دست یافته که آن‌ها را در قالب چهار معیار «تعاملی بودن»، «خاص بودگی»، «نمایایی» و «دسترس‌پذیری امکان ارزیابی وبلاگ ها» تقسیم‌بندی کرده است. به منظور ارزیابی تخصصی این وبلاگ‌ها، چهار معیار «روزآمدی تقویم دینی»، «حجیت»، «کاربردی بودن» و «ویژه‌نگاری» تعریف گردید. این هشت معیار ابداعی، در قالب هرم سه سطحی یک الگو در نظر گرفته شده است که قاعده آن را معیارهای عام و سطح میانی و رأس آن را معیارهای تخصصی تشکیل می‌دهد. در این هرم، هر چه از قاعده به سمت رأس آن حرکت کنیم، معیارها تخصصی‌تر می‌گردد.

۲. برای پیشنهادهای بند ۱۹ تا ۲۲ ر.ک: «اخلاق تبلیغ دین در عصر حاضر؛ ارزش‌ها و معضل‌ها»، حسن بوسلیکی.

۲۳. بهره‌گیری از تجربه‌های دیگران.

در اینجا، به عنوان نمونه، به گزارشی از وزارت آموزش و علوم انگلستان اشاره می‌شود که طرحی برای آموزش انجیل در آن کشور ارائه کرده است.[1] بر اساس این سند، آموزش‌های مذهبی ارائه شده باید مهارت‌های زیر را در دانش آموزان ایجاد کنند و آن‌ها را با فرایندهای مرتبط به شرح زیر آشنا سازند: تحقیق، تفکر، احساسات، ارزش‌یابی، تحلیل، کاربرد، بیان، التزام، عدالت، احترام، شناخت خود، کنجکاوی.

ـ تحقیق، شامل طرح سؤال، استفاده از منابع گوناگون، و جمع آموری شواهد.

ـ تفسیر، شامل طرح سؤال، استفاده از منابع گوناگون، و جمع آوری شواهد.

ـ تفسیر، شامل درک درست سازه‌ها، کارهای هنری، شعر و نمادها، درک تفسیر زبان مذهبی، و درک متون مذهبی.

ـ تفکر، شامل توانایی تعمق درباره احساسات، روابط، تجربه‌ها، عقاید، اعمال و سؤالات غایی مطرح شده.

ـ احساسات، شامل توانایی درک احساسات، تجربه‌ها، نگرش، عقاید و ارزش‌های دیگران، توانایی تمیز دادن عواطفی چون عشق، تحیر، عفو، و درک نگرش دیگران به جهان.

ـ ارزشیابی، شامل بحث درباره اهمیت مذاهب با توجه به مدارک و شواهد، ارزیابی علاقه‌های فردی، تعالیم مذهبی، نگرش به دیگران و وجدان فردی.

ـ تحلیل، شامل تمیز دادن نگرش، عقیده و واقعیت، تألیف وجوه متفاوت زندگی و به دست آوردن کلیتی با معنا.

ـ کاربرد، شامل ایجاد ارتباط بین مذاهب و جوامع در سطح محلی، ملی و جهانی، درک ارزش‌های بنیادی مذهبی و مقایسهٔ آن با ارزش‌های مادی.

ـ بیان، شامل بیان مفاهیم، رسوم و اعمال مذهبی، درک اعتقادات و الزامات بنیادی و توان بیان و پاسخ‌گویی به سؤالات مذهبی با استفاده از رسانه‌های گوناگون.

ـ التزام، شامل درک اهمیت ملزم دانستن خود به رعایت ارزش‌ها، تصمیم مبنی بر اتخاذ نگرش مثبت در زندگی، زندگی با اطمینان خاطر.

ـ عدالت، شامل تحمل عقاید دیگران بدون پیش‌داوری، درک شواهد و استدلالات

---

۱. ترجمه آن تحت عنوان «برنامه درسی آموزش مذهب و انجیل در کشور انگلستان»، ترجمه حسین روحی، محسن جعفرآبادی و حمیدرضا اشرفی در مجله رشد آموزش قرآن، شماره ۷، زمستان ۱۳۸۲، ص۹ - ۱۵ آمده است.

دیگران، و توانایی اکتفا نکردن به ظواهر امر در درک و شناخت آن‌ها.

ـ احترام، شامل احترام به عقاید دیگران، رعایت حقوق دیگران در اعتقاد به مذاهب متقاوت، درک مواردی که شایسته ی احترام هستند، درک عمیق بودن اعتقادات دینی و توجه به نیازها و علاقه‌های دیگران.

ـ شناخت خود، شامل شناخت خود و ارزش‌های آن و نیز توجه به سؤالات مذهبی خود و یافتن پاسخ آن‌ها.

کنجکاوی، شامل کنجکاوی و نیاز به درک حقیقت، علاقه مندشدن به مسائل معنوی، توانایی زندگی کردن با ابهامات و مسائل متناقض، نیاز به شناخت معنای حیات، شناخت تعصبات و پیش‌داوری‌های خود، و درک ارزش بینش و تحلیل در شناخت ارزش‌ها.

۲۴. شناخت دقیق فرصت‌ها و تهدیدها و راهکارهای فضای مجازی برای ترویج فرهنگ قرآن و حدیث.[1]

نتیجه‌گیری

در این مقاله دیدیم که سواد اطلاعاتی یکی از ابزارهای دنیای جدید برای روزآمدسازیِ دانش و بینش انسان‌ها است و با توجه به اهداف چهارگانهٔ حدیث‌پژوهی برای دست‌یابی به هریک از این اهداف، به سواد اطلاعاتی نیاز داریم. آنگاه پیشنهادهایی برای اجرایی کردنِ این نکات ارائه شد.

کتابنامه

- اصطلاحنامه علوم حدیث، محمد هادی یعقوب نژاد، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۰ش.
- آموزش مهارت‌های سواد اطلاعاتی، نرگس خالقی و مرضیه سیامک، قم: دانشگاه قم، تهران: کتابدار، ۱۳۸۹ش.
- بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

۱. نگارنده سطور پیش از این در سه مجال دیگر، چنین راهکارهایی ارائه کرده که برای حذر از تکرار، فقط به نشانی آن‌ها اشاره می‌شود. الف. مقاله «ترویج مفاهیم قرآنی در فضای اطلاعات محور؛ فرصت ها، تهدیدها، راهکارها، ارائه شده به مسابقات قرآن سال ۱۳۸۸»؛ ب. «بایسته‌های ترویج گفتمان مهدویت در رسانه و فضای مجازی»، سایت ایکنا، ۱۴ فروردین ۱۴۰۰. ج. «تحلیل چالش های ترویج فرهنگ زمینه ساز ظهور در عصر حاضر به منظور ارائه راهکارهای پیشنهادی»، رضا جعفری هرندی، عبدالحسین طالعی، حسن نجفی، پژوهش‌های مهدوی، شماره ۱۶، بهار ۱۳۹۵ش، ص ۳۱ ـ ۶۴.

- الحیاة، برادران حکیمی (محمد رضا، محمد و علی)، ترجمه: احمد آرام. قم: دلیل ما، ۱۳۹۵ش.
- خلاصهٔ عبقات الانوار، سید علی میلانی، ترجمه: سید حسن افتخارزاده. تهران: نبأ، ۱۳۸۱ش.
- ده گفتار، مرتضی مطهری، تهران: صدرا، ۱۳۸۵ش.
- روضة المتقین، محمد تقی مجلسی (مجلسی اول)، قم: کوشانپور، ۱۴۰۶ق.
- شرح اصول الکافی، صدرالدین شیرازی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۸۳ش.
- شرح الکافی، محمد صالح مازندرانی، تهران: اسلامیه، ۱۳۸۲ق.
- صافی در شرح کافی، خلیل قزوینی، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۹ق.
- الغارات، ابراهیم ثقفی، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۹۵ق.
- غرر الحکم، عبدالواحد تمیمی آمدی، قم: دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۹ق.
- کتابخانه ابن طاووس، اتان کلبرگ، ترجمه: رسول جعفریان، علی قلی قرایی، قم: کتابخانه مرعشی، ۱۳۷۱ش.
- الکشف الوافی، محمد هادی شریف شیرازی، قم: دارالحدیث، ۱۴۳۰ق.
- المحاسن، احمد برقی، قم: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۱ق.
- مرآة العقول، محمد باقر مجلسی، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۰۴ق.
- معانی الاخبار، محمد بن علی صدوق، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ق.
- من لا یحضره الفقیه، محمد بن علی صدوق، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.
- منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة، حبیب الله خویی، تهران: اسلامیه، ۱۴۰۰ق.
- نهج البلاغه، محمد بن حسین شریف رضی، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
- الهدایا لشیعة ائمة الهدی، محمد مجذوب، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۹ق.
- الوافی، ملا محسن فیض کاشانی، اصفهان: کتابخانه امیرالمؤمنین علیه‌السلام، ۱۴۰۶ق.
- وقعة صفّین، نصربن مزاحم. قم: مرعشی، ۱۴۰۴ق.
- «اخلاق تبلیغ دین در عصر حاضر؛ ارزش‌ها و معضل‌ها (بایسته‌های اخلاقی تبلیغ دین از منظر آیت الله جوادی آملی)»، حسن بوسلیکی، اسراء، ش ۱۳، پاییز ۱۳۹۱ش، ص ۱۷۱ ـ ۲۰۱.

- «آماده‌سازی کتاب‌شناسی‌ها برای آینده: الگویی پژوهش‌محور برای کتاب‌شناسی‌ها»، استنسرود،گ وهول، ایرن، ترجمه: عباس گیلوری، در: گزیده مقالات ایفلا ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳م، تهران: سازمان اسناد وکتابخانه ملی ایران، ۱۳۹۵ش، ص۴۷۶ ـ ۴۸۶.
- «آموزش سواد اطلاعاتی؛ روش‌ها وراهبردها»، مهری پریرخ وزهره عباسی، در: آموزش استفاده‌کنندگان و توسعه سواد اطلاعاتی در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی (مجموعه مقاله‌ها)، مشهد: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها ومرکز اسناد آستان‌قدس رضوی، ۱۳۸۳ش، ص۱۹۷ ـ ۲۱۴.
- «برنامه درسی آموزش مذهب وانجیل درکشور انگلستان»، ترجمه: حسین روحی، محسن جعفرآبادی و حمیدرضا اشرفی، رشد آموزش قرآن، شماره ۷، زمستان ۱۳۸۲ش، ص۹ ـ ۱۵.
- «برنامهٔ دسترسی جهانی به انتشارات»، در: دائرة المعارف کتابداری واطلاع رسانی، ج۱، مهشید عبدلی، تهران: سازمان اسناد وکتابخانه ملی ایران، ۱۳۸۲، ص۴۷۱ ـ ۴۷۵.
- «تحلیل چالش‌های ترویج فرهنگ زمینه‌ساز ظهور در عصر حاضر به منظور ارائه راهکارهای پیشنهادی»، رضا جعفری هرندی، عبدالحسین طالعی،حسن نجفی، پژوهش‌های مهدوی، شماره ۱۶، بهار۱۳۹۵ش، ص۳۱ ـ ۶۴.
- «روابط درونی سواد اطلاعاتی با استفاده ازمحیط‌های آموزش مجازی»، دیوید لورتشا، بلانچ وولز، ترجمه: فریبرز درودی، در: گزیده مقالات ایفلا ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳م، تهران: سازمان اسناد وکتابخانه ملی ایران، ۱۳۹۵ش، ص۲۶۴ ـ ۲۷۹.
- «سواد اطلاعاتی» در: دائرة المعارف کتابداری و اطلاع رسانی، ج۲، فاطمه ناهید طباطبایی، تهران: سازمان اسناد وکتابخانه ملی ایران، ۱۳۸۵ش.
- «عوامل تغییر: کتابداری بین‌المللی، توسعه، ونظریه جهانی شدن»، استیو. ویت، ترجمه: زهرا تهوری. در: گزیده مقالات ایفلا ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳م، تهران: سازمان اسناد وکتابخانه ملی ایران، ۱۳۹۵ش، ص۱۴۴ ـ ۱۶۰.
- «کتابخانه ودوره برخط گسترده آزاد موک پرداختن به روند تکامل تعلیم وتربیت»، ماریلن کالتر، ترجمه: عارف ریاحی؛ در: گزیده مقالات ایفلا ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳م، تهران: سازمان اسناد وکتابخانه ملی ایران، ۱۳۹۵ش، ص۲۹۱ ـ ۳۰۱.
- «کتابخانه‌ها و کتابداران در عصر ارتباطات موک»، مریم صراف زاده، مجله علوم و فنون مدیریت اطلاعات، شماره ۲، بهار۱۳۹۵ش، ص۱۱ ـ ۳۲.

- «مدیریت چالاکی: راهبردهایی برای موفقیت درمدت زمان تغییرات سریع (مطالعه موردی) یک کتابخانه دانشگاهی استرالیایی»، اندروولز، ترجمه: محبوبه ربیعی، در: گزیده مقالات ایفلا ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳م، تهران: سازمان اسناد وکتابخانه ملی ایران، ۱۳۹۵ش، ص ۲۸۰ ـ ۲۹۰.
- «مشاورهٔ اطلاعاتی، امری فراموش شده در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی»، غلامرضا فدائی، تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی، ۱۳۹۱ش، ش۱۸ (۴)، ص۳۵۷ ـ ۳۶۱.
- «وبلاگ‌های دینی روحانیان در ایران: ارزیابی الگوی مدل هرم سه سطحی»، صالح اصغری و مسعود کوثری، معرفت فرهنگی اجتماعی، شماره ۱۴، بهار ۱۳۹۲ش، ص۵۵ ـ ۷۲.
- «ازگل تا گوگل»، عبدالحسین طالعی، سایت لیزنا، ۹ تیر ۱۳۹۸.
- «بایسته‌های ترویج گفتمان مهدویت در رسانه و فضای مجازیم»، عبدالحسین طالعی، سایت ایکنا، ۱۴ فروردین ۱۴۰۰.
- «ترویج مفاهیم قرآنی در فضای اطلاعات محور: فرصت‌ها، تهدیدها، راهکارها»، عبدالحسین طالعی و رضا کریمی، ارائه شده به مسابقه مقاله‌نویسی، بیست و ششمین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن، ۱۳۸۸ش.
- «روزآمدی از شرایط اولیه مبلغ دینی است»، سید علی‌رضا واسعی، سایت خبرآنلاین، ۳۰ ابان ۱۳۹۱.
- Behrens، Shirley J. "A Conceptual Analysis and Historical Overview of Information Literacy". *College and Research Libraries.* Vol. 55، No. 4 (1994): 309 ـ 322
- Marais، J.J. "Evolution of Information Literacy as Product of Information Education". *South African Journal of Library and Information Science.* Vol. 60 ، No.2 (1992): 75 ـ 79.